



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی  
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی - سؤالات

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

شنبه ۱۱ آبان ماه ۱۳۲۷

نیز: سید محمد باقی

سال چهارم - شماره ۱۰۸۲

صفحه ۳۶۵

دوره یازدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۶۳۴

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱- صورت مشروح مذاکرات صد و چهاردهمین جلسه
- دوره یازدهم از صفحه ۱ تا ۷
- ۲- تصویبنامه ۷
- ۳- آگهی های رسمی ۹

## مذاکرات مجلس

جلسه ۱۱۴

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه ۶ آبان ماه ۱۳۲۷

فهرست مطالب:

- ۱- قرائت صورت مجلس
- ۲- اقتراح شب ۶ گانه
- ۳- بقیه استيضاح از دولت
- ۴- موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس نیم ساعت قبل از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

### ۱- تصویب صورت مجلس

صورت مجلس جلسه قبل را آقای صدرزاده (منشی) بشرح زیر قرائت کردند

یکساعت و بیست دقیقه بظهر روز چهارشنبه پنجم آبان مجلس بریاست آقای رضا حکمت تشکیل و صورت جلسه پیش قرائت گردید

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است

غائبین با اجازه - آقایان: بیات - سلطان - الملهام - الیزبی - رفیع - اورنگ - محمد ذوالفقاری - زرافعی - ملی بهبهانی - شهاب خسروانی - صاحب دیوانی - محمد ساهد

غائبین بی اجازه - آقایان: محمد حسین قشقایی - حاذقی - اردشیر شادلو - دادور - قبادیان - لاهوتی - تولیت - کامل ماگومی - احمد اخوان - ابوالقاسم

بهبهانی - امیر تیمور - نیوی - دکتر عبده - ابوالحسن رضوی - آصف - ملک پور - حسین وکیل - ناصری - بهار - یمن اسفندیاری - دکتر ملکی - فاسلی - صفایانی

آقای رحیمیان در پاسخ بیانات جلسه گذشته آقای نخست وزیر گفتند مضارح ساختمان دوسداز طرف بنگاه آبیاری برآورد شده است

آقای اسلامی ارجاع سؤال خود در باب اراضی عباس آباد تذکری دادند

آقای نخست وزیر ارجاع به پیشنهاد آقای رحیمیان گفتند مریوط بودجه عمرانی کشور است ضمن بودجه مملکتی میتوان منظور داشت و در باب سؤال آقای اسلامی گفتند وزارت دادگستری مشغول رسیدگی

است و آقای رحیمیان پیشنهاد خود را مسترد داشتند

آقای برزین پیشنهاد نمودند که وزارت پست و تلگراف اداره تلفن را تملک کند و سهام شرکاه در طی ده سال بقیمت عادلانه روز خریداری و وضع تلفن در تمام کشور اصلاح شود و در اطراف پیشنهاد خود توضیحاتی دادند

آقای دکتر شفق مخالف بوده گفتند مریوط یکصد و نوزدهم نیست و باید در بودجه کل کشور مورد مطالعه قرار گیرد و ماده ۱۰۲ نظامنامه قرائت

گردید و پیشنهاد آقای برزین قابل توجه شد

آقای دکتر اعتبار پیشنهاد نمودند که املاک واگذاری و خالصه یزارهین همان محل واگذار شود و درینباره توضیحاتی دادند و قابل توجه نشد

آقای دکتر متین دفتری پیشنهاد نمودند اصل ماده واحده دولت از تبصره ها مجزئ و تصویب شود و ضمن توضیحات راجع به مطالبات راه آهن گفتند راه آهن را بصورت قبل از جنگ بما برگردانند کافی است

آقای نخست وزیر گفتند اجرای تبصره های تصویب شده مستلزم تصویب تبصره های دیگر لایحه است و ضمن توضیحات نسبت به مطالبات راه آهن با قرائت پاسخ وزارت امور خارجه بنامه سفارت انگلیس گفتند هنوز تصمیم قطعی دولت اعلام نشده و موکول بظنر مجلس است

● همین مذاکرات مشروح یکصد و چهاردهمین جلسه از یازدهمین دوره قانونگذاری

اداره تدوین و تحریر صورت مجلس

آقای عباس اسکندری ضمن اشاره به اعتراض بسکوت سازمان ملل و نماینده ایران نسبت بقضیه حیدرآباد گفتند بایر داخا بودجه وزارت خارجه مخالفند ولی حقوق حق مستخدمین باید پرداخت شود و نیز آنچه از باب مطالبات راه آهن میبندند دولت میتواند برسم علی الحساب دریافت کند و صرف اصلاحات راه - آهن شود .

آقای نجست وزیر اظهار نمودند قسمتی از این مطالبات باید بابت فروش راه آهن بیانگ ملی و خزانه مسترد گردد .

آقای وزیر جنك گفتند تصویبات مجلس شورای ملی بصورت قانون لازم الاجری است وزارتش حافظ کشور و مجری قوانین است و وسایل نگاهداری و رفع احتیاجات ارتش همیشه باید پیش بینی و تدارك شده باشد و تصویب یکد از دم کافی تا مین این منظور نیست تا اخیر تصویب بودجه ارتش نیز بهر اسم و عنوانی خلاف مصلحت مملکت رقابل تأسف است و تقاضا نمودند لافاقل قسمت مربوط بخوراك و پوشاك و ساختمانهای ارتش و ترمیم كارخانهجات تولیدات زودتر بتصویب رسد و يك جلسه خصوصی برای تشریح وضع ارتش تشکیل گردد

آقایان د کتر معظمی و مسعود آهینی پیشنهادتفس دادند و تصویب نشد

آقای د کتر متین دفتری تقاضای خود را در تصویب یکد از دم تکرار نمودند و پیشنهاد ایشان قابل توجه شد

سیس ماده واحده قرائت و تصویب ۳ تبصره قابل توجه شده نیز قرائت و تصویب شد و تبصره چهارم مربوط بشركت تلفن تصویب نگرفتند و بعد یکجایباده واحده و ۳ تبصره با ورقه اخذ رأی بعمل آمد از ۸۲ نفر عمده حاضر بنا ۷۷ رأی تصویب شد .

یکساعت و بیست دقیقه بعد از ظهر مجلس خانه یافت و جلسه آینده بادستور اقتراع شمس و انتخاب کمیسیونها و بحث در بقیه پیشنهادها بروز پنجشنبه معول گردید .

رئیس - نسبت بصورت مجلس نظری نیست ؟ دهقان - بنده از ماده ۱۰۹ میخواستم استفاده کنم رحیمیان - بنده اعتراض داشتم رئیس - بفرمائید .

رحیمیان - بنده میخواستم عرض کنم فلسفه تأسیس روزنامه مجلس در دوره چهاردهم برای این بود که در واقع و کبیله که امروز صحبت میکنند بدانند چه گفته است و این روزنامه مأمودی است که ابداً خبری از آن نداریم و هیچ بدست ما نمیرسد و ما نمی دانیم که در جلسه چه گفته ایم مثلا در جلسه دیروز جناب آقای وزیر جنك راجع بنده فرمودند و حرف ایشان را هم بنده متوجه نشدم و فردا پس فردا که بنده متوجه شدم نمی دانم که حرف من چه بوده و نطقی که آقای وزیر جنك فرمودند هم معلوم نشد چه بود و چه صحبت کرده اند و بعدا باید بنده استفاده بکنم از اجازه و در این قسمت صحبت بکنم ولی راجع باین روزنامه استدعا میکنم توجهی بشود که این روزنامه یا اساساً تعطیل بشود و این بودجه بیهوده بصرف

نرسد یا اینکه روزنامه بدست و کلا برسد که ما بدانیم چه اظهاراتی کرده ایم ( صحیح است ) رئیس - یکمرتبه دیگر هم من گفتم که هیئت رئیسه مشغول اقدام است که هر روز صورت مشروح مجلس بدست نمایندگان عصرها برسد یعنی هر روز که جلسه هست عصر يك روزنامه ای منتشر بشود ( یکنفر از نمایندگان - کی ؟ ) ( مکی - پس از دوره شانزدهم ) و تفصیلات نطق آقایان را بطور کامل بدهد ( احسنت )

عباس اسکندری - بنده اعتراض دارم رئیس - نسبت بصورت مجلس است ؟ ( عباس اسکندری - بلی ) بفرمائید .

عباس اسکندری - قسمت راجع به حیدرآباد که بنده عرض کردم نوشته نشده است ( صدر زاده - نوشته شده است ) باین معنی که بنده عرض کردم منشور ملل متفق قید کرده است که باید وضعیت جهان در موقع تشکیل این سازمان تغییر نکند و از ملل ضعیف حمایت شود و این عمل نشده و نماینده ایران در آنجا اعتراض نکرده است و تقاضای نکرده است و قسمت دیگر هم هست که بعد عرض خواهم کرد .

رئیس - صورت مجلس بعد تصویب خواهد شد که اکثریت بشود آقای دهقان برطبق ماده ۱۰۹ بیانی درازند بفرمائید آقای دهقان .

دهقان - مثل اینست که آقای عباس اسکندری اگر هر چند وقت یکمرتبه بنده بایشان عرض ارادت نکنم حالشان سر جا نمی آید اینست که می آیند از آسمان و در میان يك چیزهایی میبافند تا اینکه بنده بایشان عرض ارادت کنم بنده فلسفه دیگری برای اظهارات ایشان نمی بینم صحبت اینکه بنده سه هزار و هفتصد تومان از وزارت کار بنام شور یا بشورت یا هر ترتیبی که ایشان اسمش را می گذارند گرفتیم و میگیریم مثل تمام اظهارات و فرمایشاتشان خلاف واقع است بنده نه دیناری از اداره تبلیغات و نه دیناری از وزارت کار نمیگیرم حتی قبل از افتخار نبل ب مقام نماینده کی هم که حضور وزارت پیشه و هنر بودم و سالهای متمادی سابقه خدمت داشتم پس از شهریور که مبادرت بنشر روزنامه تهران مصور کردم برای اینکه این سوخته مقام نشود که از مقام روزنامه نگاری و مدیریت روزنامه سوسه استفاده میکنم و برای اینکه بتوانم انتقادات خود را باصراحت بیان کنم از گرفتن حقوق دولتی هم صرف نظر کردم ( احسنت ) بنا بر این يك همچو فردی وقتیکه مقام نماینده کی هم دارد زشت است که بیاید برود يك پولی هم از تبلیغات یا وزارت کار بنام حق مشاوره و این چیزها بگیرد بنده خواهم میگویم آقای اسکندری بعد از این آریك مطالبی میخواهند بگویند يك مطالبی بگویند که تا يك حدی هم حسبتدگی داشته باشد . آخر چه مناسبت دارد که در آخر ماه هزار و یانصد تومان پول مفت از دوتا وزارتخانه به بنده بدهند . آخر بچه اسمی ؟ بچه تربیتی ؟ گفته اند که اوضاع درهم برهم و شلوغ است ولی نه دیگر اینقدر خر توخر باشد . ولی يك مطلبی که باید توضیح بدهم و شاید اگر توضیح بدهم موجب سوء تفاهم میشود راجع بکار چند نفر هنرمند تأثر تهران در رادیو تهران است که سال گذشته از

تاشاخانه تهران اداره رادیو خواهش کرد که يك قسمت از برنامه رادیو را تأثر تهران اجرا بکنند و راجع بدستزد آن قسمت هم يك صحبتی بین تأثر تهران و رادیو در جریان بود که منتهی به نشود ولی کارمندان تأثر تهران کار خودشان را ادامه دادند یعنی تأثر تهران میگفت برای هر برنامه ای که میخواهد اینجا اجرا بشود باید پنج هزار ریال بول بدهید و رادیو هم میگفت ما این اعتبار را نداریم ولی از این لحاظ که چند نفر از دوستان بطور متوالی آنجا رئیس شدند بمن میگفتند که باید بما کمک کنی و همیشه از من خواهش میکردند که تو کمک بکن که ما بتوانیم کار بکنیم ما هم بدون اینکه قسمت آن وجه قطع بشود امر آن

دوستان را اجرا کردم و آن قسمت از برنامه رادیو تهران عملی کردم تا آخر سال و نزدیکهای اسفند آمدند گفتند ما هر دفعه و برای هر برنامه ای که در رادیو تهران اجرا شده است میتوانیم ۱۲۰ تومان بدهم که این ۱۲۰ تومان باید بین نویسنده کارگردان و هنر پیشه تقسیم بشود و ما برای هر نویسنده ای در هر دفعه ای در تأثر تهران ۷۰ تا هشتاد تومان پول دادیم بعد بنده حساب کردم دیدم این پولی که رادیو میخواهد بدهد بهر هنرمندی ۲۰ ریال میرسد . این شرم آور است حقیقه بیست ریال بهر نفر میرسد و بنده هم چون برافا و همکاران آن بنگاه امر کرده بودم که بروند آنجا کار بکنند ناچار شدم از مالیه خودم هفت هزار تومان روی پول رادیو گذاشتم و با آنها هر دفعه ای ۱۰ تومان دادم و بعد هم در اینکار مداخله نکردم برای اینکه جز زیان برای من چیزی نداشت این شرح ماجرای همکاری تأثر تهران است صورتش هم هست خود رادیو هم میداند و البته بهتر بود که این هنرمندان بیچاره بجای اینکه بنشینند می فکر کنند و از اینجا بروند برادری و مطلب را ادا بکنند و بیست ریال بگیرند . البته بهتر این بود که رئیس دفتر وزارت طرق بشوند و چك مفاطمه کارها را که برای پیشنهاد مناقسه بوزارت طرق فرستاده شده بودند کنند و امضای وزارتخانه را جعل بکنند و پولش را بالا بکشند و بروند بنشینند خانه شان و بایشان را روی بایشان بیندازند و برای دیگران هم کوراغلی بفرمایند اینها عقلشان نرسید بدینکار حالا میروند زحمت میکنند در مدرسه میباشند برای ۲۰ ریال اسامشان را هم میکنند هنرمند و مطلب حفظ میکنند و میروند در رادیو کار میکنند . آنها مثل آقای اسکندری عقلشان نمیرسد .

عباس اسکندری - بنده اجازه میخواهم دفاع کردم

عباس اسکندری - خوب اما بیشتر از آنچه که لازمست فرمودند بنده توضیح میدهم بنده می خواستم از آقای دهقان تقاضا بکنم اول این نامه را من در هاتوا جعل نکنند الا مجبور میشوند احمدآباد را هم بفروشند و آن وقت اسباب زحمت میشود این هفت هزار تومان هفت هزار تومان آدم را رشکست میکند . اما مذاکراتی که بنده اینجا کردم بنده هیچ غرض خاصی با شما نداشتم گفتم که جناب آقای نفی زاده در رادیو تهران است که سال گذشته از

باین تبلیغات و طرز عملی که اداره رادیو میکند مخالفم با دولت هم مخالف بودم . گفتم خوب حالا میگویم بباشا شخصی اینجا زیاد هستند . کار نمیکند اما بهتر این است که دیگر نمایندگان سوء استفاده نکنند اگر شما نمیکرید این پول را و نمیکرید نمیکرید و رئیس بینات هم میگردد که ما همچو پولی نمیدهیم آن وقت بنده اگر سندی داشتم میآورم و نشان میدهم . اگر نداشتم گفتم بیست تومان بگیرند بگویند ۱۰۰ گرم بخواهد بگیرد من میگویم شما حتماً یکم بدهد دولت هم بشما ندهد اگر اصرار دارید که بگیرد من نخواهم گذاشت شما بگیرد این قرارداد امضاء شده شماست آقای دهقان ( دهقان - امضاء شده است ) صافوی - وقت مجلس را نگیرید ( وقت مجلس برای همین چیزهاست آقای صافوی داخل صحبت بنده شویید خواهش میکنم عرض کنم که از حضرت صادق علیه اسلام روایت است که وقتی در يك كشور هائی میخواهند باو طاعون بپاشد اول او و شوها بعدا در میآیند ( خنده نمایندگان ) عرض میکنم که بنده با سند صحبت میکنم با من هم کسی صحبت نکرده بعد بیائید همین جا جواب بدهید این روایت مستقیم است از يك امام بر حق بنده مخالفتهائی که با دواتها دارم برای همین کار هائبر است همین اشتباهائی است که میکنند ( دهقان - آقای اسکندری سندیان را بخواهید کلکتان را بکنید وقت مجلس را نگیرید ) اجازه بفرمائید ، شما مداخله نکرید بعد بیائید حرف بزنید برای شما آقا ، برای تاشاخانه تهران تصویب نامه صادر شده است ، ۶ هزار و یانصد تومان در ماه از شما نمیکرند یعنی روزی ۲۰۰ تا ۲۲۰ تومان در صورتی که اگر کمک بفرهنگ است باید از سینه ما بگیرند بایستی از سینه ما تهران بگیرند از سایر سینه ما بگیرند بطور تمام اصلاحات و کمکها مربوط ب تاشاخانه تهران است؟ بنده این را گفتم و تکرار کردم قبول نکردید بنده يك کتابچه دارم اینها را یاد داشت میکنم بدانید آن روزی که من آدمم سر کار تمام اینها را از شما خواهم گرفت ( دهقان - جوابش با آقای رئیس است عرض کنم من از کسی که بمن نقش بدهد نمیرسم که بیفهمی ما معرفت حرف حق مبرد خاکستر سرش بریزند با وسعت سقاقت میدادند من حرفم را میزنم هر کسی که بمن بد بگوید ازو باکی ندارم من این راه را میروم تا کشته بشوم ولی شما امثال شما بدانید من تا سر با هستم نخواهم گذاشت بروید و این کارها را بکنید . ماهی ۶ هزار و یانصد تومان دو سال است گرفته اید میشود صد و پنجاه هزار تومان بخارمش اگر توانستم میگیرم و اگر نداشتم وصلح و مصالحه دارم خارج کرده بودید میفرستم شما را ببعس و طبق قانون مجازات عمومی حبس میکنم و بعد اره سال هم خواهید آمد از من تقاضا میکنید خود هم پیشنهاد فرمودتان زامی کنم ( خنده نمایندگان ) اما حالا که می توانم این کار را بکنم باید بگویم شما آمدید میگویند که روزی ۲۰ ریال گفتند چهار تا هنرمند می نهم این يك دانه اش است بنده می خواهم که این کمیسیون تحقیق افلا برای یکدفعه در این مجلس معین شود تا معلوم شود آقای دهقان من درست میگویم یا خیر . بین اداره کل انتشارات و تبلیغات و آقای احمد دهقان

( دهقان - بفرمان آقا ، مطلب را بفرمان ) مجلس تصویب کرده است که و کلاهی مجلس شورای ملی نباید هیچ عنوان نه واسطه عمل بشوند و نه حقوق بگیرند ( صحیح است ) و شما سوء استفاده می کنید از نفوذ خودتان ( اسلامی - تصویب نامه را کدام دولتی صادر کرده است ؟ ) من کاری ندارم هر دولتی که صادر کرده است من یقه و گریبانش را میگیرم بین اداره كل انتشارات و تبلیغات و آقای احمد دهقان مدیر تاشاخانه تهران قراردادى مشتعل بره ماده منعقد می شود مدت اعتبار این قرارداد از تاریخ بیستم فروردین ۱۳۲۶ تا پایان اسفند ۲۶ که بعدا هم تمدید گردیده است ( دهقان - درست نیست ) ماده ۲ - آقای احمد دهقان متعهد میشوند ماهی چهار نمایش و چهار برنامه فکاهی در رادیو بعارض نمایش بگذارند ، تعیین وقت و ساعت اجرای نمایش قسمت فکاهی با اداره تبلیغات است . ماده ۳ - تهیه نمایش نامه و اجرای آن بعهده آقای احمد دهقان است . ماده ۴ - تهیه وسایل رفت و آمد نمایش دهندگان عهده انتشارات است که - عهده علیعه برای آنها پول میدهد . ماده ۵ - اداره كل انتشارات متعهد میشود برای هر نمایش نامه هزار و دویست ریال بدهد و برای هر برنامه فکاهی هم با آقای دهقان ۶۰۰ ریال بدهد و شما که هیچ نمی گیرید این هم حرف است و هر روز هم البته يك برنامه فکاهی میسازید ماده ۶ - در صورتی که به علت ایام سوگداری اجرای برنامه موقوف بشود آقای دهقان متعهد میکنند در برنامه ۱۰ برنامه ای که مخصوص امپاد است اجرا کنند ماده ۷ - هر يك از طرفین این قرارداد می توانند با اخطار یکماه قبل این قرارداد را لغو بکنند و در اسفند ماه هم با اخطار کتبی این قرارداد را برای مدت یکسال تمدید بکنند ( دهقان - صحیح نیست امضاء بنده را ندارد ) شما الان اینجا فرمودید که آمدند و گفتند ما قبول نکردیم برای اینکه روزی ۲۰ ریال بهر نفر میرسد بنده آقا روی این سند امضاء شده حرف میزنم این امضاء امضاء شما نیست من کاری ندارم آن کسی که جعل کرده بروید تعقیبش کنید ، اگر امضای شما هست روی این سند و این نوشته ای که اینجا سوادش را دارم بشما عرض میکنم که این کار را نباید کرد شما و کیل مجلس هستید ما آقا میدانیم که کاره د دولتی را نباید بیکار کرد بیچاره هستند ، چیزی ندارند من هم بهمه آن ها ارادت دارم اما ما چرا خودمان را سر بار بودجه مملکت بکنیم . ما چرا برویم از تصویب نامه ای استفاده بکنیم و ماهی ۶۰۰ تومان بگیریم برای چه بنده آقا اصولا با هر قسم استفاده ای چه سوء استفاده باشد یا حق ، استفاده که از هایدات کشوری بنوعی از انحاء بجهت اشخاص برود مخالفم حالا شما تصور میکنید که باشخص شما مخالفم ابتدا دیگری هم بوده باشم مخالفت میکنم بنده مکرر تقاضا کردم در این مجلس يك آنکت بکنید يك هیئت تحقیق بفرستید هر کسی که پول بی قاعده ای از صندوق مملکت میگیرد نگیرد ( صحیح است ) ( دهقان - این پول بی قاعده نیست ) اگر فرزند باشد من باید از شما بیشتر از دیگران خوشم بیاید دلیلش ندارد که من از شما بد . بیاید شما اتفاقاً شخص بسیار معترمی هستید بسیار خوب صحبت میکنید چه دلیلی دارد که از شما بدم بیاید این چه فکری است که شما میکنید . شما

میگویند که اینطور نیست من میگویم این ورقه موجود است بهتر این بود که موجود نبود ، از بنده بشنویید نکتهد این کارها را . اینکارها را امروز میکنید فردا میکنید بار تکرار میکنم این کارها بازخواست خواهد شد این مجلس بازخواست نکند دولتها بازخواست نکنند من وقتی که روی کار آمدم اینها را بازخواست میکنم حالا دعوای نکتهد فحش میدهد بدهید ( دهقان - استدعا میکنم بگویند که این ورقه امضاء مرا هم ندارد اجازه بفرمائید ببینم ) این ورقه بهشت تحقیق داده میشود شما میخواهد بدو ره را بپاره بکنید ( خنده حضار ) دهقان - اجازه بفرمائید رئیس - بفرمائید دهقان - بنده خیلی متأسفم که وقت مجلس که بایستی صرف امور مهمه بشود بکارهای خیلی جزئی و بی معنی مصرف می شود همینکار این کار هم آقای عباس اسکندری است بنده آقا خودم که گفتم ۱۲۰ تومان میدادند در سال ۲۶ گرفته شده و بمالیه هم رویش گذاشته ام و باشا شخصی که در رادیو عملی انجام میدادند داده شده این دیگر اینقدر طول و تفصیل و آب و تاب نداشت و بنده گفتم يك عهده هنر پیشه که بنده وسیله آنها بودم برایشان این کار را درست کردم اگر دیگری بود ده برابر آن را میگرفت و ضرر این کار را هم نمیداد و من دادم من اگر میگویم آقای عباس اسکندری مثل شما ورقه بی امضاء نمی آورم اینجا من خودم قبل از شما این اقرار را کردم که ۱۲۰ تومان داده شده و امسال هم دیناری گرفته نشده برای اینکه صرف نداشت برایشان آنهم که شما عرض کردید که ۲۰ ریال بهر هنر پیشه میدادند چون آن کسی که الان بیس رامینویسد کمتر از ۶۰ می خواهد . آقای عباس اسکندری سابقه میخواهد بنده که میخواهم این را اجرا کنم باید وسیله داشته باشم . بعضی از نمایندگان - ایشان بعنوان ماده ۱۰۹ صحبت میکنند ؟ رئیس - بنده میفرمید دائم میگویند که تو همین شده است . دهقان - این است که بنده خودم قبلا گفتم اولاً ورقه را بنده امضاء نکردم این ورقه که الان در جیبان است امضاء بنده را ندارد بدو غ اینجا آوردید و گفتید ، مهر اداره تبلیغات را دارد و بنده قبلا گفتم و باز هم تکرار می کنم بنده در هیچ جا هیچ عنوان و هیچ ترتیب وجهی دریافت نکردم و نمیکند و نخواهم کرد و خودم را هم باین کارها آورده نمیکند و شأن من هم اجل بر این کارها است دکتر شفق - بنده اخطار نظامنامه ای دارم مطابق ماده ۱۲۸ رئیس - ماده ۱۲۸ این حا تطبیق نمیکند آقایان بعنوان ماده ۱۰۹ صحبت کردند دکتر شفق - اجازه بفرمائید توضیح بدهم شق چهارم ماده ۱۲۸ در موارد مؤاخذه یکی هم این جا را گفته است که يك نفر نماینده بيك یا چند نفر نماینده فحش بدهد و توهم بکند بنده تصور میکنم نه مجلس ایران نه ملت ایران دیگر

حوصه بیش از این نداشته باشد کوقت گرانهای کشور در يك عصری که تمام دنیا منشج استویک وظائف بسیار فوری دارند تلف بشود ما بیاییم بنشینیم که يك عده بهمدیگر توهین بکنند و فحش بدهند و مسخره بکنند من استندمامکنم باین ترتیب تا مربوط مجلس شورای ملی خانه بدهم این رفتار خلاف نزاکت و خلاف حیثیت يك ملت است ( صحیح است ) فرضا هم اگر يك نماینده حق داشته باشد نسبت به اعمال يك نماینده توضیحاتی بخواهد حد اقل بایستی در حدود ادب و نزاکت باشد ( صحیح است ) توهین بیست نماینده در همین حال توهین بعضی در مجلس است مگر مجلس جای فحاشی است بایستی جناب آقای رئیس و آقایان خودشان هم يك کاری بکنند از این رسوائی مجلس بدر آید بخصوص در عصری که در زمانی که کارهای بسیار مهم و فوری داریم و ما بایستی جلو گیری کنیم بایستی برویم دنبال تصویب لوایح تصویب طرح ها قانون بوده هزار درد بیدرمان داریم این ترتیب کار کردن نیست

**جمعی از نمایندگان - دستور**  
**۲ - اقرار شعب ششگانه**

**رئیس** - چون دوره شعب منقضی شده اقتراح بعمل میآید هر شعبه ۱۷ نفر و شعبه ۱ و ۲ و ۳ و ۴ یک نفر علاوه میشود

**اقتراح شرح زیر بعمل آمد**

شعبه اول - آقایان : دکتر اهتیار - ابوالقاسم امینی - حاج آقا رضا رفیع - بهادری - افغمی مهدی مشایخی - حسن اکبر - محمود محمود - حسین کتباوی - اورنگ عدل استفندیاری - ابوالحسن صادقی آشتیانی زاده - دولتشاهی - مسعود تاجی - زرافعی دکتر متین دفتری

شعبه دوم - آقایان : حسن مکرم - قوامی گلپادی - حسین مکی - غلامحسین رحیمیان - ملک مدنی - شیخ الاسلامی - علی وسکلی - فولادوند شریف زاده - ظفری - صفوی - ونوق - فهردان دکتر معظی - اسلامی - دکتر فلسفی

شعبه سوم - آقایان : امامی امری - سزاوار مهندس رضوی - متمم دماوندی - دکتر بقائی - ارباب کو - صدر زاده - دکتر مجتهدی - سلطان - العلماء - هلی اقبال - احمد فرامرزی - شریعت زاده باتانقلیج - عبدالرحمن فرامرزی - اهراز نیک بی امیر نصرت اسکندری - نواب یزدی - شعبه چهارم - آقایان : معین زاده - فتحعلی افشار - دکتر راجی - دکتر مصباح زاده - اردلان عامری - هراتی - مقانی - عباسی - احمد دهقان مهدی ارباب - کشاورز صدر - خوشنیر - سالار بهزادی حاج حبیب الله امین - لاهوتی - حائری زاده شعبه پنجم - آقایان : آزاد - ساعد - تقی زاده عباس اسکندری - موسوی - محمد علی مسعودی عباس مسعودی - دکتر آشتیانی - لبقوانی - محمدعلی منصف - صاحب جمع - عزیز زنگنه - جعفر کفائی ناصر ذوالفقاری - سید هاشم وکیل - امیر حسین ظفر بختیار - آقا خان بختیار

طباً - ضیاء البراهیمی - رضا حکمت - دکتر شفق علی بهبانی - صاحب دیوانی - یالیزی شعبه اول - عرب شببانی - شعبه دوم - شهاب خسروانی - شعبه سوم - نورالدین امامی - شعبه چهارم برداقیان

**رئیس** - تندی میکنم در اولین فرصت شعب را تشکیل بدهید و هیئت رئیسه خود را انتخاب کنید قرار بود امروز کمیسیون همام انتخاب بشوند ولی چون باید رای گرفته شود و عده کافی نیست میماند برای روز یکشنبه و مطابق پیشنهاد آقای دکتر متین دفتری امروز قرار بود پیشنهادات قرائت بشود آنهم محتاج برای است و عده کافی نیست ممکن است آقای آزاد دنباله استیضاح خودشان را مطرح کنند دولت هم حاضر است برای استیضاح آقای آزاد بفرمائید

**۳ - بقیه استیضاح از دولت**

**آزاد** - بنده میخواهم مقدمه این قضیه را با اطلاع آقایان برسانم مطابق اصول پارلمانی دولت يك وقتی اکثریت دارد کلاوایی که بمجلس تقدیم میکند این لوایح را نمایندکان ملت یعنی اکثریتی که دولت خودش را متکی بآنها میداند تصویب بکنند در ممالکی که پارلمان آنها دولت های آنها تحت يك اصول و یک قاعده است اکثریت دولتی يك لایحه ای آورد بمجلس

**رئیس** - اجازه بفرمائید آقای آزاد اکثریت نیست

**آزاد** - بنده میخواستم يك کلمه صحبت بکنم اکثریت نیست

**رئیس** - باید گفته شود کمیسیون هالیان طرز کارشان است اگر مطابق میلشان نباشد نماینده وقتی صحبت میشود نماینده یک نفر اینجا بایستد شاید آقایان متوجه نباشند بلک پیش خدمت بایستد وقتیکه آقایان میروند متذکر شود آقایان ( صحیح است ) شاهام شروع کنید بصحبت آقا این طرز کار نیست که ... ( صحیح است )

**فولادوند - عطف باظهارات بنده ..**

**آزاد** - در ممالکی که مجلس و دولت تحت يك قواعد و اصولی است وقتیکه دولت دید اوایش را مجلس تصویب نمیکند یا حاضر برای تصویب نیست دولت استعفاء میدهد ولی متأسفانه در مجلس ما بهیچوجه منالوجه نه دولت این رعایت رامیکند داشت که بودجه بگذرد حتی وقتیکه یکی دو نفر پیشنهاد يك دوازدهم کردند که تصویب بشود دولت آمد و استقامت نکرد که تغییر بایستی بودجه تصویب شود مجلس موافقت نکرد بعد از آنکه مجلس موافقت نکرد يك دوازدهم درخواست کرد البته دولت باید از همان روز استعفاء بدهد و برود باز دولت ماند بگمات تمام ازمه گذشته تا حالا سیری شده است هیچیک از لوایح دولت تصویب نشده است و در پروژهم باینکه يك لایحه ای آورد راجع بودجه و منضم چند تبصره بود باز مجلس تبصره ها را رد کرد با همه اینها باز دولت آمده است و اینجا نشسته است بقیعه من اکثریت داشتن دولت عبارت از این نیست که نخست وزیر بیايد اینجا بنشیند یکمرتبه و بگوید بن رای بدهید رای اعتماد میخواهم ورای بگیرد بعد هم بگوید من اکثریت دارم و باینکه وقتیکه استیضاح

خانه پیدا کرد یکمده ای از آقایان را بخواهش و رود ریاستی بآنها بگوید که بایستد بدولت رای بدهند این رای برای مملکت برای دولت برای مجلس رای اعتماد نیست بنده میخواهم این قضیه را تذکر بدهم که بعضی آقایان اینجا تشریف میآورند و راجع بمجلس یکتقدیری انتقاد میکنند و میگویند که چرا مجلس تشکیل نمیشود بنده معتقد هستم که بایستی اصل قضیه را جستجو کرد که چرا مجلس تشکیل نمیشود یکمده از آقایانی که طرفدار دولت هستند بخود من گفتند البته من نمیخواهم اسم آنها را ببرم که ما با دولت مخالف هستیم ولی یاره ای جهات است که باید بدولت رای بدهیم بنده میخواهم عرض کنم که میشود در يك موضوع بيك کسی گفت که تو تعظیم هم بکن ولی بر قلب کسی نمیتواند کسی حکومت بکند و منت اینکه آقایان ملاحظه بفرمائید که مجلس تشکیل نمیشود و بعضی اینکه تشکیل شد از اکثریت ممانعت برای اینست که اکثریت مجلس اعتماد بدولت ندارند میآیند اینجا می بنشینند و وقتیکه لایحه دولت طرح میشود از جلسه خارج میشوند دولت وقتی اکثریت دارد که يك لایحه ای می آورد و تقدیم میکند با جرح و تعدیل با موافقت دولت آن لایحه تصویب گردد آنوقت آقایان این عیب را بهیچوجه در نظر نمی گیرند میآیند پشت تریبون میگویند که چرا مجلس تشکیل نمیشود آقایان اصل قضیه را تشخیص بدهید من معتقد هستم که مجلس شورای ملی برای اینکه باین قضیه خانه بدهد باید روز شنبه يك جلسه مخصوص تشکیل بدهد و يك نشست وزیری و يك رئیس الوزرائی که مورد اعتماد اکثریت مجلس باشد تعیین بکند که يك لوایحی که میآورند اینجا بگذرد و الا این وضعی که آقای وزیر پیش گرفته است و یکمده اشخاصی هم میل ندارند رای بدهند ( فرامرزی - چرا میبدهند ) خوب ممکن است من از شما خواهش بکنم شاهام قبول بکنید ..

**رئیس** - آقای آزاد این بیان صحیح نیست نماینده آزاد است اگر آرایش را نمیتواند بدهد خوب اینجا بنشینند هر کس رایش آزاد است

**آزاد** - بلی کسی که مجبور نمیکند که تو حتماً باید رای بدهی ولی میگوید که من خواهش میکنم که رای بدهی بندهم رای میدهم بر خلاف ( فرامرزی - او اصلا آدم نیست چه رسد که نماینده باشد ) اصل قضیه اینست شما الان ملاحظه بفرمائید که یکمده است که یکی از لوایح دولت تصویب نشده است هلتش چیست اگر چنانچه دولت اکثریت دارد و اکثریت مجلس بنشینان دولت است چرا یکی از لوایح دولت تصویب نمیشود این قضیه بقیعه بنده خیلی واضح است در هر حال مقصود من این بود که این تذکر را بدهم عرض کنم در روز ه شنبه که من در اینجا يك صحبت هائی کردم چند نفر از آقایان يك تذکره ای بمن دادند نظرم میآید که یکی آقای دکتر معظی بود که فرمودند مجلس شورای ملی در حدود قانون اساسی میتواند اقداماتی بکند و یکی دیگر هم آقای مهندس رضوی بودند که فرمودند مجلس باید مطابق اصول پارلمانی کار بکند چند نفر دیگر هم يك صحبت هائی کردند مقصود من اولاً از آن صحبت هائی که در آن روز کردم شخص

نیود من وقتي که آمدم در اینجا گفتم قدرت ملت مافوق تمام قدرتهاست و این قدرت در مجلس شورای ملی متمرکز است و مجلس شورای ملی همان قدرتی را دارد که ملت دارد مقصود شخص نبود و اگر يك مثالهای زدم از نقطه نظر کلی بود نه مقصود این مجلس شورای ملی بود و نه مقصود این دولت بود و این شاه فعلی روی اصول من يك صحبت هائی کردم ولی حالان میخواهم يك مختصر تذکره ای راجع بفرمائید بعضی از آقایان عرض کنتم مفرمائید ما اقداماتی که باید بکنیم باید در حدود قانون اساسی بکنیم متهم البته بن عقیقه را دارم که اقداماتی که باید بکنیم بایستی در حدود قانون اساسی باشد ولی قانون اساسی يك تشریفات است که هر وقت و هر ساعتی که نماینده گان ملت خواسته باشند میتوانند آن تشریفات را عوض کنند مثل اینکه یکروز در قانون اساسی مانو شده بود که رن بادشاه بایستی ایرانی الاصل باشد ..

**رئیس** - این مربوط باستیضاح شما نیست استیضاح شمارا می خوانم بزنگی اشخاص وارد نشود

**آزاد** - مواد استیضاح بنده را بخوانید

**رئیس** - اختناق آزادی و مطبوعات است

**آزاد** - بلی مخالفت با قانون اساسی و اساس مشروطیت آن قسمت آخریش را بفرمائید مخالفت با قانون اساسی و اساس مشروطیت این استیضاح بنده است بلی مقصود من این بود که بفرموزی در این مجلس این قانون اساسی را آوردند و عوض کردند

**اسلامی** - آقا شاد را این مورد نمیخواهد صحبت بفرمائید

**رئیس** - شایبک مجلسی که در پیش يك رأی داده نمیتواند ایراد بکنید

**آزاد** - بنده این ماده قانون اساسی را میخوانم یکی از نمایندگان - آن تفسیر بوده ..

**آزاد** - اصل اول توجه بفرمائید من هم رسی ایران اسلام و طبقه حقه جعفریه اتی مشربه است باید بادشاه ایران دازا و مروج این مذهب باشد ( یکنفر از نمایندگان - کلاما هم هست ) این اصل اول است اصل دوم مجلس مقدس شورای ملی که بتوجه تأیید حضرت امام عصر عجلا الله تعالی فرجه و بطل مرحمت امام حضرت شاهنشاه اسلام خلدالله سلطانه و مراقبت حجج اسلامه کثر الله امثالهم و عامه ملت ایران تأسیس شده است باید در هیچ عصری از اصلا مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و توانین موضوعه حضرت خیر الانام صلی الله علیه و آله وسلم نداشته باشد ( صحیح است ) این اصل اول و دوم قانون اساسی و متمم آن عرض بکنم با همه اینها مایه ایم که مجلس شورای ملی ایران و دولت در صورتیکه خوردن هرق و شراب که استعمال آن حرام است آمده است مالیات بسته است هرق و شراب که ضمناً تجویز بخرودنش هست ( یکی از نمایندگان - کی اینطور است ) این بودجه مملکتی است که مالیات مشروبات مانده است همین طور ( یکی از نمایندگان - تصویب نشده - فرامرزی بی مالیات میخورند ) بلی آقا بی مالیات بفرموزد يك حرفی است مقصود بنده تذکره ای بود اصل خواستن نمایندگان ملت است نمایندگان ملت هر چیزی را

که خواستند آن میشود بایش تشریفات است ( کشاورز صدر در حدود قانون اساسی ) قانون اساسی را که شما قبول ندارید این قانون اساسی چرا قبول نکردید ( دکتر مجتهدی - این چه حرفهائی است که شما بزنید آقای آزاد ماهه تابع قانون اساسی هستیم شما میخواهید بگوئید مجلس شورای ملی تابع قانون اساسی نیست ) من میخواهم بگویم که قانون اساسی يك تشریفات است ( دهقان - خیر آقای آزاد این فرمایشات را فرمائید ) وقتیکه من آمدم يك صحبت هائی بکردم البته بعضی از آقایان صحبت بکنند من از این که آقای کشاورز صدر می بین نگاه میکنم و انگشش را بالا میکنند عرض کنتم که من بهیچوجه منالوجه قصد و نیتی ندارم ولی یکمده اشخاص هستند که من آنها را در دوره زندگانی خودم مکرر دیده ام اینها از حیث اخلاق فقیر هستند شهادت ندارند شهادت ندارند تقوی و پرهیز کاری ندارند و در همین حال طمع دارند و همه چیز میخواهند اینها همیشه این راهی را که پیدا کردند برای اینکه مقصد خودشان برسند تعلق و چایبوسی است در همه جا هستند دوشهر ما وقتیکه يك حاکمی میآید یکمده ای میروند دور و بر آن حاکم و ستم دوستی آن حاکم را ببیند میزند در جاهای دیگر در خود شهر تهران در همه جا ستم دوستی نشست و وزیری را ببیند میزند گاهی هم میروند بالاتر

**کشاورز صدر** - آقا اگر مقصودتان بنده است میخواهم از ماده ۱۰۹ استفاده بکنم

**رئیس** - آقا اسم شما را نبرند بگذارید بمجلس ساکت باشد

**کشاورز صدر** - دارد دنباله اش را میگیرد آقای رئیس

**رئیس** - اگر گفت اسمی از شما برد صحبت بکنید

**کشاورز صدر** - مقصودتان بنده نبود آقا؟

**آزاد** - خیر آقا وقتی که من صحبت می کنم من - بینم شما خیلی بدنگاه می کنید مقصود من هم جناب عالی نیستید در تهران دوره جاه در شهرهای دیگر از این تیب اشخاص هستند عرض کنتم که این آقایان فقط برای اینکه استفاده ای کاز این مقامات مؤثر احتمال میدهند بشخص خودشان باشد فرض کنید کورئیس - الوزراه دوستی را بخودشان اختصاص میدهند و مونویل میکنند میگویند فقط رئیس الوزراه و اما باید دوست داشته باشیم این رفیق ما است و بدیگران مربوط نیست در زمان قدیم شاه دوستی را چند نفر آمدند بخودشان مخصوص کرده بودند و دیگران رامیکشند که شاه را دوست ندارند در صورتیکه شاه در هر جا متعلق بشاه مملکت است و همه مردم هر جا هستند دوستش دارند ولی این اشخاص برای اینکه باصطلاح با دنجان دور قاب بچینند و استفاده می بینند همیشه مونویل میکنند دوستی این مقامات را در صورتیکه بنده دیدم یکروزى يك عده اشخاص دور و بر شاه قدیم می رفتند و شاه دوستی را مونویل خودشان کرده بودند حالا کارشان چه بود معلوم است شما میدانید که رضاشاه فقید در سنوات ۶۰ و ۷۰ را مردم خیلی دوستش داشتند او هم نسبت مردم بهیچوجه منالوجه خیال اذیت و آزاری نداشت بعد کم کم همه آقایان مشاهده کردند که وضعیات عوض شد این دراز آن بود که اشخاص متعلق می میرفتند می جاسوسی

میکردند می راپورت میدادند که فلانی مخالف با سلطنت شمامت تا اینکه میانه او را با این مردم بهم زدند و در این اواخر کار بجائی رسیده بود که نسبت بهیچکس اعتماد نداشت و در هر صندوقی بستی یکنفر گذاشته بودند ببینند مردم چه می نویسند و توی صندوق پست میگذارند در صورتیکه در سنوات اول هم او مردم خیلی مهربان بود و هم مردم نسبت باو عقیده و ایمان داشتند ( صحیح است ) ولی متعرجاً وضعیات را بآن روز رسانیدند اشخاصی که در زمان رضا شاه بودند الان همان اشخاص هستند از آن موقع خیلی وقت هم نگذشته است همین اشخاص میرفتند دور اطراف حضرت همایونی میگفتند که فقط اعلیحضرت همایونی را ما دوست داریم در صورتیکه همه اعلیحضرت همایونی را دوست داورند - روز میرفتند دور و بر قوام السلطنه و میگفتند که دوستی قوام السلطنه متعلق بماست در موقعی که آقای قوام نخست وزیر بود قدرت داشت يك روز من رفتم پیش آقای موسوی زاده که از او احوالپرسی بکنم وزیر دادگستری از من پرسید که شما آقای قوام السلطنه را دیدید بعد یا خیر گفتم از وقتی که من از تبریز آمده ام فقط دوسه مرتبه ایشان را دیده ام - گفت چرا پیشش نمیروی ؟ گفتم کاری ندارم بروم وقت او را بگیرم و بگویم چی ؟ گفت برو اگر نروی بکنم منی میکنیند آزادی که پیش تو نمی آید با تو مخالف است و با تو مخالف میشود گفتم سرفتن من که سبب مخالفت نیست - گفت نه حتماً برو - اتفاقاً من رفتم طولی نکشید که دیدم قوام السلطنه نسبت بمن مهر است و همی من را اذیت می کند خدا شاهد است من بهیچوجه منالوجه نسبت بایشان در قدیم چیزی نداشتم که این اشخاص هم وقتی که من روز پنجشنبه صحبت کردم دیدم همه برای این که خودشان را يك قدرتی خوب جلوه بدهند آمدند يك صحبت هائی کردند در صورتی که بهیچوجه منالوجه منظر من از آن صحبت هائی که اینجا کردم نه شخصی معین بود نه دولت معین و نه مجلس معین بلکه نظر من این بود که در اینجا بگویم که مجلس شورای ملی مرکز قدرت مملکت است ( صحیح است ) و هر اقدامی که بخواهد بکند میکند بنده این قضیه را امروز میخواهم تذکر بدهم اشخاصی که در صدد هستند که مجلس شورای ملی را تضعیف بکنند اینها يك درمائی هستند خیلی خیلی کوچک و حقیر و خیلی مردمان بی وجدان ( صحیح است ) زیرا تضعیف مجلس شورای ملی تضعیف قدرت ملت است و خواهی نخواهی وقتی که مجلس شورای ملی تضعیف شود يك قدرتهائی در خارج بوجود می آید که مملکت ایران را از بین میبرد ( اکثریت نبود چند دقیقه بعد اکثریت شد ) یکمرتبه این مجلس شورای ملی يك اشتباهی کرد آن اشتباهش این بود که قدرتی که ملت باو سیرده بود تقویض کرد و بيك شخص معین پس از آنکه قدرت را از خودش سلب کرد بیست سال ملت ایران در زیر شکنجه و فشار قرار گرفت و صد سال از قافله تمدن عقب افتاد و معتقد هستم که بعد از این که این اشتباه را ملت ایران یکمرتبه کرد برای مرتبه دوم نبایستی این اشتباه را مجلس شورای ملی بکند و يك قدرتی را که ملت ایران بمجلس شورای ملی سیرده است باید اگر بقیومت جان هم باشد نمایندگان مجلس

شورایلی این قدرت و حافظ بکنند و الا اگر این قدرت را برای مرتبه دوم از دست دادند بیک بیچارگی فوق العاده گریبان ملت ایران را خواهد گرفت .

همگی - صبیح است .

آزاد - یک روز این آقای سیهید احمدی که همین جا نشسته است میخواست گرفتار شود در قشون دوتفر شصت بر جسته وجود داشت در سنه ۱۳۰۰ و شش یکی این آقای سیهید احمدی بود یکی دیگر هم همسایگی بود طهماسبی رفت بلرستان و از بین رفت . یک روزی مرحوم رضاشاه یک کافندی داد تیمورتاش که این آقای سیهید احمدی وجودش برای مملکت مضر است پرونده ای درست کنبد که تکلیفش بعد معلوم بشود بنده میخواهم عرض کنم که وقتی ملت قدرتش را از دست میدهد هیچ شخصی یک ساعتی نمیتواند شب آورده بخوابد تیمورتاش قضیه را فهمید رو کرد پشاه گفت مملکت ایران یک سیهید دارد اگر چنانچه شما نخواستید باشد این سیهید را متهم کنبد و دوسه برایش درست کنبد باعث بدنامی ارتش ایران است اگر چنانچه میخواهید که سیهید احمدی نباشد دستور بدهید در یک اطافی او را صدا بکنند بیک اسلحه بگذارند و بگویند حساب الامر باید خودت را اینجا بکشی خودش را میکشد و بعد جنازه او را با شرفیات حمل کنند شاه این کافند را گرفت توی جیبش کرد و جواب نداد بعد تقریباً بعد از یکی دو ماه سیهید دیگر هم حکمی صادر کرد که این تیمسار سیهید احمدی رئیس اصلاح نژاد اسب است تا آخر دوره رضا شاه در صورتی که برای فرماندهی لشکرها و تیپها سر منگ مار انتخاب میگردند بعد از این که آن وضع از بین رفت همین آقای سیهید احمدی الان چندین مرتبه است که ایشان وزیر هستند و مورد احترام تمام مردم هستند و هیچکس هم ایشان حرفی ندارد یک نفر آدمی را که هیچ گناهی نکرده بود فقط فقط میترسیدند از این که او یک افسر مهمی در قشون است و ممکن است خطری داشته باشد خواستند او را از بین ببرند وقتی که ملت قدرت خودش را از دست بدهد اشخاص درست اشخاص بیگناه مردمان شریف نمیتوانند تأمین داشته باشند ملت و مجلس شورای ملی نباید اختیاراتش را از دست خودش بدهد در همین جائیکه آقای کشاورز صدر نشسته است برادر زتش نشسته بود اسمش هم یوز سرتیپ بود و کیل مجلس بود (کشاورز صدر - برادر زن بنده نبود برادر داماد من بود) خوب فرقی نمیکند ایشان نماینده مجلس بودند یک فرماندهی وقت بلرستان نتوانست پول جمع کند یک گزارش داد که آنها میخواهند اسلحه بردارند رفتند آنها را برداشتند این را هم از اینجا برداشتند آوردند زندان پیش بنده من یک اطافی بودم این را آوردند اطاق من سه سال و نیم این در زندان بود بعد از ۳ سال و نیم بکروزی یک کافندی آمد که جان بخشی کردند و هما مرخصید . در دوره سابق رسم باین بود که

اشخاص را که در زندان بودند و گناه و تقصیری نداشتند وقتی که میخواستند اینها را خلاص بکنند کافند میرسید که جان بخشی فرمودند میگفتند مرخصی (یکی از نمایندگان - چه آقا؟) یعنی جانش را بخشیده اند کافندی هم آمد برای این ما خوشحال شدیم گفتیم خوب این بیچاره بعد از سه سال و نیم که بیگناه بوده و از مجلس آوردندش اینجا خوب حالا مرخصش میکنند . رفت و برگشت و گفت مرا بردند بارش و گفتند که تو مشغول هستی و نباید اینجا خدمت کنی من گفتم که حداقل سن و ککالت سی سال است و من وکیل بوده ام و یکسال هم در مجلس بودم و سه سال و نیم هم در حبس بوده چهار سال و نیم . سی سال هم داشتم میشود سی و چهار سال و نیم . جلاور میشود گفت من ۲۱ ساله هستم که تمام فصولی نکن تو مشغول هستی . برش داشتند بردند قشون . حالا این رفیق ما آقای کشاورز صدر باتمام قدرت میخواهد که پایه دیکتاتوری را روی دوش خودش بگیرد (کشاورز صدر - بنده جواب خودم میدهم که تمام فرمایشاتی که فرمودند صحت ندارد) خوب ایشان در زندان زیادی مانده اند . حالا بگم تریه که سری بزندان بزاید بنده بعد از قبول خواهم کرد که غیر .

باتمامتالیق -

موضوع استیضاح را بفرمائید آقای آزاد . موضوع استیضاح اینها هست آقا . یکم از آقایان تصور میکنند و فتنه که آزادی خودشان را از دست دادند . بعد از از دست دادن آزادی هم همین شخصیت و همین آزادی را که الان دارد آنوقت هم خواهد داشت در صورتیکه این خیلی خیلی اشتباه است . و فتنه که ملت آزادی خودش را از دست داد و تسلیم بکنفر گردید بقدری آن دستگامختن و بجرم میشود که انسان قدرت نمیکند فکر بکنند که این چه دستگامی است . یک روزی تیمورتاش را گرفتند توقیف کردند . دوتفر از روزنامه نویسا تلگرافی کردند پشاه خیلی اظهار تشکر کردند از این اقدامی که کرد . خیلی خیلی مؤدبانه و محترمانه و فتنه که این تلگراف را خواند رئیس شهربانی را صدا زد گفتند این اشخاص را بخواهد و بگویند بشما چه ربطی دارد که توقیف تیمورتاش خوب بود باید دوتا جاروب هم بدست اینها بدهید که بروند توی خیابان و خیابان را جاروب بکنند . رئیس شهربانی دوتا روزنامه نویس را احضار کرد گفت این تلگراف را شما کردید . گفتند ما اظهار تشکر کردیم . گفت این فضولها بشما چه مربوط است . صدا زد افسر کشیک آمد جاروب بدست این دو روزنامه نویس دادند دوشبانه روز اینها در میدان توپخانه مشغول جاروب کشیدن بودند . این روبه دیکتاتوری است . تصور نکنید الان که اینجا محترم نشسته اید همیشه اینطور محترم خواهید بود شما تصور میکنید این وضعیت که الان در مملکت

قدیم هستند . در قدیم وقتی که افکار بشر هنوز روشن نبود در آسمان که برق میزد برای آن یک خدائی قائل بودند و از او میترسیدند بعد برای این خدای موهوم یک صور خیالی را هم فرض میکردند آن وقت میآمدند این صور خیالی را از چوب یا از سنگ میتراشیدند و برای آن حاجب و دربان درست میکردند آنوقت وقتی که میخواستند او را ببینند از این حاجب و دربان اجازه میطلبیدند و میفرستد جلوی آن سنگ یا چوبی که خودشان تراشیده بودند می آمدند آنجا می نشستند و زانو میزدند گریه میکردند و بعد از آن طلب مغفرت و بخشایش میکردند طلب دفع شر میکردند ولی وقتی که متدرجاً بیهیم ها و اولیاء آمده و مردم را از ظلمت و جهل بیرون آوردند مردم فهمیدند که این بت پرستی بوده است یک چوبی را که خودشان تراشیده اند این هیجوقت شما نمیدهد این اشتباه از خود آنها بوده از نادانی آنها بوده ما هم امروز در صورتیکه دولت مخلوق ما است . حکومتی که میآید ما خالق او هستیم در این صورت میرویم تعظیم می کنیم تلق می گوئیم میرویم بآنها - جده می کنیم وقتی که می خواهیم ملاقاتشان کنیم پشت در اطافشان بایستی یک ساعت معطل بشویم آنوقت که پیش خدمت خبر می دهد مارا صدا میزند اگر کاری هم داشته باشیم بگوئیم یا خواهش بکنیم تنی بکنیم صد تا منتهم سرما بگذارند که با حرفمان را گوش بدهند من گاهی بسیناها رفتم تاریخ فنیقی هارا دیده ام که اینها می آمدند یک کوره ای درست میکردند و بچه های خودشان را برای استرضای ارباب انواع می انداختند توی آتش انسان وقتی که اینها را می بیند برقت میآید که چقدر بشر در ظلمت جهل بوده که اولاد خود را و بچه های خود را برای انواع موهومی توی آتش میانداختند . من معتقدم که یک روزی در همین مجلس شورای ملی یک اشخاصی می نشینند و نمایندگانی که در ادوز گذشته بودند بجال آنها رفت میاورند که اینها خالق دولت بودند ولی وقتی که یک نفر ژاندارم میآمد اذیت میکرد عاجز بودند که این ژاندارم را تنبیه و مجازات بکنند عاجز بودند از این که بدولت بگویند که آن ژاندارم یا آن مأمور دولت را تعقیب و مجازات بکنند یک روز خواهد شد که با اشخاصی که در این کرسیها که نشسته اند مردم رفت میکنند (مکی- الان هم رفت می کنند) بنده حالا می خواهم تجزیه و تحلیل کنم علت اینکه حکومت ها تمام با میل و اراده مجلس میآیند و با میل و اراده مجلس میروند و در تحت نظارت مجلس هستند چرا نمی توانند از حق قانونی خودشان استفاده بکنند چون معلوم است هیچ علتی بدون معلول نیست وقتی که یک حادثه پیش میآید البته یک علتی دارد وقتی که یک خانه خراب میشود یا پایه هایش خراب است یا زلزله میآید یا آب میافتد و خانه خراب میشود بنده میخواهم در این

زمینه یک توضیحاتی بدهم که چطور شده است که این مجلس که مرکز قدرت ملت ایران است و در مقابل تجاوزات و تعدیات مأمورین دولتی یا خود دولت عاجز و ناتوان است این دو علت دارد یک علتش این است یکم از کارمندان دولتی در این دوره و ادوار گذشته بمجلس می آمدند یک علت دیگرش هم این است که هر کس بمجلس میآید اول فکری که میکند برای دوره آینده اش است حالا من توضیحات کافی میدهم برای آقایان که این دو علت سبب شده است که مجلس شورای ملی نمیتواند از حق قانونی خودش استفاده بکند راجع بدست اول الان توضیحاتی میدهم آقایانی که بعد دست وارد میشوند در وهله اول اینها بدست مدیر کلی و معاونت انتخاب میشوند غالباً اشخاص بدست منشی . نجات . ضابط وارد ادارات دولتی شده اند و می شوند از نقطه نظر دیسیپلین اداری اینها مجبور باطاعت هستند برای این که اینها اگر اطاعت نکنند اینها را اخراجشان میکنند یک نفر نجات وقتی که میرود و کار میکند یک مدیر دفتر هر چه میگوید و دستور میدهد باید اطاعت بکنند این اطاعت باین قسم ادامه پیدا میکند و تا بیست سال که این کارمند دولت است و بقامات عالی میرسد هر قدر هم مقام داشته باشد باید اطاعت از مقام مافوق بکند این . اطاعت یکی از عادات تائیه شخص کارمند دولت میشود . قسمت دیگر این است که این کارمند از نقطه نظر تریه خودش و برای اینکه تریه اش را بگیرد . اضافه حقوقش را بگیرد . ناچار است که همیشه از مافوق خودش فروتنی و تعلق بگوید و خضوع و خشوع نسبت با داشته باشد تا این که اضافه حقوق او پیشنهاد بشود و درجه و رتبه او را درخواست بکنند

بعضی از نمایندگان -

۴- موقع و دستور جلسه آینده - ختم جلسه رئیس - پیشنهاد ختم جلسه هم رسیده است (یک نفر از نمایندگان - مخالفم) مخالفند حالا که اکثریت نیست . جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده روز یکشنبه . موضوع استیضاح و انتخاب کمیسیونها (مجلس ۳ ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی رضاحکمت

تصویب نامه

شماره ۱۴۱۱۶ وزارت کشور ۲۷-۸-۸ هیئت وزیران در جلسه اول آبان ماه ۱۳۲۷ بنا پیشنهاد شماره ۳۱۸۴۹ - مورخ ۲۷-۷-۲۱ وزارت کشور تصویب نمودند که از تاریخ صدور این تصویب نامه در کرد کوی (کردمعه) شهرداری تأسیس شود . تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است .

وزارت جنگ ۲۲۷-۷-۲۷ هیئت وزیران در جلسه ۱۳۲۷-۷-۲۴ پیشنهاد شماره ۱۳۸۸۲ - مورخ ۲۷-۶-۲۳ وزارت جنگ و موافقت شماره ۱ - مورخ ۲۸۹۴۱ - مورخ ۲۷-۷-۲۱ وزارت دارائی تصویب نمودند که اراضی وابسته سربازخانه باشاه و بیمارستان شماره (۳) ارتش بانگاه فواین مصوب هفتم آبان ۱۳۰۹ و سوم آذر ۱۳۱۱ از طریق مزایده بمرض فروش رسیده و وجوه حاصله از فروش اراضی وابسته بالا منحصراً بصرف ساختمان سربازخانهها و بیمارستان جدید و تعمیر و تکمیل سایر ابنیه ارتش برسد . تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است .

انتخابات واحکام

شماره ۶۹۹۱۸۱۶۰۷۰۸۱۳۱۱ آقای فتح الله لاشانی شهردار بندر پهلوئی از تاریخ اشتغال بکار سمت بخشداری رودسر منتقل شدند . ۴۲۰۰ - ۲ وزیر کشور

شماره ۲۰۸۳۶۱۰۰۶۰۷۰۸۱۳۱۱ آقای سید عباس هاشمی پوراصل سردفتر اسناد رسمی شماره ۷۱ تهران نظر باینکه معاکه انتظامی شمانتهی ببرد اذت جزای نقدی شده بموجب این ابلاغ رفع تعلق شما را ارتصدی دفتر اسناد رسمی و گواهی صحت امضاء اعلام میدارد .

شماره ۲۱۳۴۰۱۰۰۳۰۹۰۷۰۸۱۳۱۱ آقای سید محمد حسن آل محمد سردفتر ازدواج و طلاق مسجد سلیمان بیرو ابلاغ شماره ۱۱۱۳۲ - ۲۳۰۸۰ -

۸-۱۴ چون در دادگاه انتظامی سردفتران تریه شده ام بد موجب این ابلاغ رفع تعلق شما را از تصدی دفتر طلاق اعلام میدارد . وزیر دادگستری

شماره ۲۱۳۴۸-۱۰۰۳۶۰-۲۷-۸-۲ آقای عباسقلی فخر واعظی سردفتر اسناد رسمی سابق شماره مراغه

نظر باینکه معاکه انتظامی شما منتهی به صدور حکم قطعی بهمه انفصال از شغل سردفتری اسناد رسمی شده و حکم مزبور در باره شما اجرا گردیده بموجب این ابلاغ رفع تعلق شما اعلام می شود .

شماره ۱۰۴۶۶، ۲۱۰۴۶۶، ۲۷-۸-۲  
**آقای سلیم محمد حجت رضوی**  
سر دفتر اسناد رسمی شماره  
۳۱ تهران

مردن بموجب دادنامه قطعی مورخه ۲۷-۷-۲۸  
دادگاه تجدید نظر انتظامی سر دفتران محکوم  
بتوبیخ با درج در روزنامه رسمی شده اید اداره کل ثبت  
بدینوسیله مفاد دادنامه مزبور را در مورد شما اجرا  
مینماید .  
مدیر کل ثبت

شماره ۲۱۲۷۴، ۱۹۸۹۳، ۲۷-۸-۲  
**آقای عبدالعنی آزمون سردفتر**  
اسناد رسمی و ازدواج و طلاق  
قریه کشگری گرگان

نظر باینکه بر اثر گزارش واصله تحت تعقیب  
دادگاه انتظامی سر دفتران واقع شده اید وزارت  
دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفتر اسناد رسمی  
تاخاتمه رسیدگی بتخلفات شما در دادگاه نام برده شما را  
از تصدی دفاتر ازدواج و طلاق معلق مینماید .  
وزیر دادگستری

شماره ۱۰۳۴۹، ۲۱۳۹۴، ۲۷-۸-۲  
**آقای اکبر عابدی سردفتر سابق**  
ازدواج اندبیل

بموجب این ابلاغ مجدداً دفاتر شما را در  
اندبیل خنخال برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت  
میدهد .  
وزیر دادگستری

شماره ۱۰۳۶۶، ۲۱۳۰۸، ۲۷-۸-۲  
**آقای محمد قرچه سردفتر ازدواج**  
و طلاق قریه سرلاون  
نصیر آباد گرگان

بموجب این ابلاغ استعفای شما از تصدی دفاتر  
ازدواج و طلاق پذیرفته میشود .  
وزیر دادگستری

شماره ۱۰۳۸۰، ۲۱۳۹۸، ۲۷-۸-۲  
**آقای حسن ادیبی**

بموجب این ابلاغ دفتر شما در قریه ده زیارت  
سفی جزو دهستان سرشبو سقز برای ثبت ازدواج و  
طلاق رسمیت میدهد .  
وزیر دادگستری

شماره ۹۰۲۵، ۲۱۴۰۰، ۲۷-۸-۲  
**آقای محمد ولی دانشور سردفتر**  
اسناد رسمی محمود و ازدواج و  
طلاق رودبار قزوین

نظر باینکه بر اثر گزارش واصله در مورد ثبت  
واقع ازدواج تحت تعقیب دادسرای قزوین و دادگاه  
انتظامی سر دفتران واقع شده اید وزارت دادگستری  
طبق ماده ۳۹ قانون دفتر اسناد رسمی شما را از تصدی  
دفتر ازدواج معلق مینماید .  
وزیر دادگستری

شماره ۱۰۶۶۴، ۲۱۶۸۰، ۲۷-۸-۲  
**آقای جواد عظیمی سردفتر اسناد**  
رسمی و ازدواج شهر مشهد

بموجب این ابلاغ محل رسمیت دفاتر شما به  
شهر تهران تبدیل میشود طبق مقررات مشمول انجام  
وظیفه شوید .  
وزیر دادگستری